مسئولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

پوهاند نصرالله « ستانکزی» ۲۰۲۲/۱۲/۰۳

جایگاه سیاست خارجی در قوانین اساسی افغانستان

مقدمه:

در جهان معاصر دول به منظور کسب مشروعیت و تنظیم اصولسیاست داخلی و خارجی شان ؛ نیازمند وضع و تدوین آن در قانون اساسی شان اند.
با رعایت همین روش حقوقی است که کشور ما نیز در طی یک قرن اخیر در ضمن هشت قانون اساسی اش به این مهم پرداخته و در مقاطع مختلف با نظر داشت نوع نظام های حاکم بر کشور مبتنی بر اصول حقوق بین‌المللی به تسجیل نصوص در متون قوانین اساسی پر داخته اند.
اینک به منظور شناسایی مختصر جایگاه سیاست خارجی در این قوانین هشتگانه اختصار می پر دازیم.

نظام نامه اساسی دولت علیه افغانستان (۱۳۰۱ خورشیدی):

نخستین قانون اساسی افغانستان ؛ زیر نام « نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان » ؛ در هفتاد سه مادهٔ ؛ در ۱۰ حوت ۱۳۰۱ شمسی ؛ در عصر شاه امان الله نافذ شد .
در نخستین مادهٔ ؛ این قانون اساسی امورسیاست خارجی را ؛ دولت افغانستان با استقلال کامل اعمال می کرد ؛ که چنین پیش بینی نموده بود: « دولت افغانستان اداره امور داخله و خارجه خود را با استقلال تامه حایز بوده بر محلات و قطعات مملکت بزیر امر و اراده سنیه ملوکانه بصورت یک وجود واحد تشکیل می یابد و به هیچ حیثیت در اجرای مملکت تفریق کرده نمی شود .»
بر مبنای حکم این ماده نظامنامه مذکور ؛ در راس امور خارجه شخص شاه قرار داشت .
هم چنان در مادهٔ هفتم همین قانون اساسی اعلان جنگ و مصالحه و عقد معاهدات از صلاحیت های اختصاصی ؛ شاه که در رأس دولت بود ؛ شمرده می شد.
به اساس مادهٔ ۲۹ نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان ؛ امور مهم و عمدهٔ سیاست خارجی ؛ مانند سیاست داخلی در مجلس وزرأ تعیین و بعد از تایید شاه مرعی الاجرأ شناخته می شدند . مادهٔ متذکره مشعر است: « مجلس وزرأ مرجع امور مهمه داخلی و خارجی دولت است.
مذاکرات مجلس وزرأ و قرار داد هاییکه محتاج تصدیق می شوند - بعد از امضای اعلیحضرت همایونی در معرض اجرأ گذاشته می‌شوند. »
در این قانون اساسی ؛ سال شورای دولت ؛ که درحقیقت نوع پارلمان شناخته می شد ؛ در نظر گرفته شده بود ؛ که مرکب بود از اعضای انتصابی و انتخابی ؛ در زمره صلاحیت های این شورا تدقیق و ابراز نظر در خصوص مقاولات و تعهدات ؛ دولت افغانستان ؛ با خارجی ها بود ؛در این خصوص در مادهٔ ۴۹ آن چنین صراحت وجود داشت:« مقاولات و تعهدات که با اجانب می شود از طرف شورای دولت مذاکره و تدقیق می گردد .»
اصول اساسی دولت علیه افغانستان (سال ۱۳۱۰ خورشیدی):
پس از سقوط حکومت نه ماهه حبیب الله کلکانی ؛ که همه قوانین ازجمله نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان ؛ را ملغا اعلان نموده بود ؛ در عصر سلطنت محمد نادرشاه دو مین قانون اساسی کشور؛ به نام « اصول اساسی دولت علیه افغانستان ؛ در ۱۱۰ اصل (که بعد ها دو ضمیمه به آن اضافه شد) ؛ در ۸ عقرب ۱۳۱۰ شمسی نافذ گردید -
در این قانون اساسی ؛ در متابعت از نظامنامه اساسی ؛ امور سیاست داخلی و خارجی ؛ به دولت تعلق داشت که در رأس آن پادشاه آن را اعمال می کرد ؛ چنان که اصل دوم این اصول اساسی چنین مشعر بود: « دولت علیه افغانستان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ

ادارۀ امور داخله و خارجۀ خود را با استقلالتامه حایز بودهمه محلاتوقطعات مملکت بزیر امر و اراده سنیه ملوکانه به صورت یک واحد تشکیل می یابد و به هیچ حیثیت در اجزای مملکت تفریق کرده نمی شود .»
هم چنان به اساس اصل هفتم این اصول اساسی ؛اعلان جنگ و عقد مصالحه از جمله حقوق پادشاه شناخته شده بود.
در اصل هفدهم ؛ این قانون اساسی هرگاه در بیرون از کشور علیه دولت افغانستان تحرکات وتبلیغات مخربانه صورت میگرفت ؛ اموال و دارایی های چنین اتباع در افغانستان ضبط و مصادره می گردید ؛ در این خصوص اصل مذکور چنین صراحت داشت : «ضبط املاک و اموال اهالی ممنوع است به استثنای کسانیکه در خارج مملکت متوقف بوده و بر علیه حکومت افغانستان تحریکات و نشریات می نمایند .»
دراین اصول اساسی ؛ برای صدور مطبوعات خارجی افغانستان ؛ به شرط آن که علیه مذهب و منافع افغانستان نمی بود ؛ جایز شمرده می شد .
به اساس اصل ۴۶ اصول اساسی متذکره تصویب تمامی معاهدات و قرار داد های؛ از صلاحیت های شورای ملی شمرده می شد ؛ این اصل چنین مشعر است: « عقد مقاولات و معاهدات اعطای امتیازات (انحصار) اعم از تجارتی و صنعتی و فلاحتی وغیره خواه از طرف داخله باشد یا خارجه به تصویب شورای ملی کرده خواهد شد .»
به تاریخ ۱۲. سنبله سال ۱۳۱۱ شمسی ضمیمه نمبر اول ؛ در دو فقره نافذ گردید ؛ در فقره اول آن در خصوص عدم ازدواج کارمندان وزارت خارجه و صاحب منصبان و محصلان افغانی با اتباع خارجی بود.
در فقره ای دوم این ضمیمه ؛ از عدم داشتن ملکیت اموال غیر منقولاتباع بیگانه در افغانستان صراحت داشت . اما سفارت خانه و قونسلگری های دول خارجی براساس توافقات دو جانبه از این امر مستثنی شناخته شده بودند.

قانون اساسی افغانستان (۱۳۴۳ خورشیدی):

سومین قانون اساسی ؛ افغانستان در عصر زمامداری اعلیحضرت محمد ظاهر شاه است ؛ در ۹ میزان ۱۳۴۳ خورشیدی در ۱۲۸ مادۀ و یازده فصل بعد از توشیح شاه نافذ گردید .
به اساس این قانون اساسی ؛ مبانی سیاست خارجی به گونه ذیل طرح ریزی شده بود :
ماده نهم این قانون اساسی ؛حقوق و وظایف شاه را مشخص نموده بود ؛ که در زمره آن ها ؛ این فقرات با صراحات ذیل ؛ مربوط به روابط خارجی شناخته می شوند :فقره ۲ - اعلان حرب و متارکه ، در فقرۀ ۹ آن چنین می خوانیم : اعطای اعتبار نامه به غرض عقد معاهدات بین الدول مطابق احکام قانون ، به دوام آن در فقره ۱۰ این قانون اساسی آمده بود : توشیح معاهدات بین الدول ؛ و در فقره ی پانزدهم آن چنین صراحت وجود داشت : تعیین سران نمایندگان سیاسی افغانستان نزد دول خارجی، تعیین نمایندگان دایمی افغانستان نزد مؤسسات بین المللی و قبول اعتماد نامه های نمایندگان سیاسی خارجی.
به اساس صراحت ، بند اخیر مادۀ ۲۹ آن قانون اساسی مذکور ؛ اتباع بیگانه حق داشتن ملکیت عقاری را نه داشتند ؛ چنان که بند مذکور چنین مشعر بود : « دول و اتباع خارجی در افغانستان حق ملکیت عقاری ندارند . فروش عقار به نمایندگی های سیاسی دول خارجی بر اساس رویه با المثل و به مؤسسات بین المللی ایکه دولت افغانستان عضو آن باشد بعد از مؤافقه حکومت مجاز می باشد .»
مطابق فقرۀ دوم مادۀ۶۴ آن قانون اساسی تصدیق معاهدات و اعزام قطعات عسکری به خارج از کشور جز صلاحیت های شوری (ولسی جرگه و مشرانو جرگه) بود ؛ این فقره چنین صراحت داشت :« تصدیق معاهدات بین الدول ، فرستادن قطعات اردوی افغانستان به خارج ، اعطای امتیازات دارای اهمیت در اقتصاد ملی به شمول انحصار ، اجازه نشر پول و اخذ قرضه از صلاحیت شوری می باشد . امتیازاتی که اعطاء آن از صلاحیت شوری می باشد توسط قانون تعیین می گردد.»
مطابق حکم ماده ی ۹۴ آن قانون اساسی در زمره سایر وظایف حکومت چنین می خوانیم :« ... حفظ استقلال ، دفاع از تمامیت ساحه ، صیانت منافع و حیثیت افغانستان در جامعه بین المللی وظیفه حکومت می باشد ۰» ۰

قانون اساسی جمهوریت افغانستان (۱۳۵۵ خورشیدی):

در ۵ حوت سال ۱۳۵۵ خورشیدی قانون اساسی نخستین جمهوریت افغانستان در یک دیباچه ، سیزده فصل و۱۳۶مادۀ توسط لویه جرگه تصویب و منصۀ اجرأ در آمد .
این قانون اساسی نیز در نصوص مختلف اش به موضوعات مرتبط به سیاست خارجی کشور اصولی را پیش بینی نموده بود . چنان که در ماده ی ۱۲ آن در خصوص اصول سیاست بین المللی چنین آمده بود :« احترام به اساسات

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

منشور ملل متحد ، اعلامیه جهانی حقوق بشر و پشتبانی از صلح عادلانه،در نهایت تشکیل یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس برادری ، برابری ، تعاون و حفظ کرامت انسانی .»
در آن قانون اساسی برای افغانستان قوهٔ تقنینه یک مجلسه به نام ملی جرگه پیش بینی شده بود که در زمره صلاحیت های آن جرگه در قسمتی از ماده ۶۲ آن در خصوص موضوعات مرتبط به حقوق بین المللی چنین صراحت وجود داشت «... تصدیق معاهدات بین الدول ، فرستادن قطعات قوای مسلح دولت جمهوری افغانستان به خارج از صلاحیت های ملی جرگه می باشد .»
در فقره سوم مادهٔ ۶۷ آن قانون اساسی در خصوص صلاحیت های لویه جرگه چنین آمده بود ؛« ۳- تصویب اعلان حرب و متارکه .»
به استناد قانون اساسی سال ۱۳۵۵ خورشیدی رئیس جمهور در رأس دولت قرار داشت که صلاحیت ها و وظایف آن در پانزده فقره درمادهٔ ۷۸ آن قانون پیش بینی گردیده بود ؛ که فقرات ۸ ، ۱۴ و ۱۵ آن مربوط به مناسبات خارجی بود .
فقرات مذکور به ترتیب طور ذیل صراحت داشتند : «۸- رهبری و هماهنگ ساختن سیاست داخلی و خارجی کشور مطابق به احکام قانون اساسی .
۱۴ - تعیین سران نمایندگی های سیاسی افغانستان نزد دول خارجی ، تعیین نمایندگان دایمی افغانستان نزد موسسات بین المللی و قبول اعتماد نامه های نمایندگان سیاسی خارجی ٠
۱۵ - توشیح قوانین و فرامین تقنینی و اعلام انفاذ آنها ، اعطای اعتبارنامه به غرض عقد معاهدات بین الدول مطابق به احکام قانون و توشیح معاهدات بین الدول .».
هم چنان ؛ در ماده ی ۹۱ آن قانون اساسی صلاحیت و وظایف حکومت پیش بینی شده بود ؛ که در زمره در خصوص وظایف و صلاحیت های سیاست خارجی در فقرات مختلف موارد ذیل به ملاحظه می رسد : « ۱- تطبیق سیاست داخلی و خارجی کشور مطابق به احکام قانون و اساسات حزب .
۷ - مفاهمه و مذاکره راجع به گرفتن و دادن قروض داخلی و خارجی .
۱۰ - عقد قراردادها با ممالک و مؤسسات خارجی مطابق به احکام قانون .»
فصل دهم آن قانون اساسی برای حالت اضطرار اختصاص یافته بود. حالات که در آن حالت اضطرار اعلان شده می توانست در مادهٔ ۱۱۴ آن چنین پیش بینی گردیده بود : « هرگاه حرب ، خطر حرب ، اغتشاش یا حالت مماثلی که کشور را با خطر مواجه سازد حفظ استقلال و حیات ملی یا امنیت را برهم زند به نحوی که تأمین آن از مجرایی که در این قانون اساسی تعیین شده ناممکن گردد حالت اضطرار از طرف ریس جمهور اعلان می شود
هرگاه حالت اضطرار بیش از چهار ماه دوام نماید برای تمدید آن موافقت ملی جرگه شرط است »
یکی از مواردی که در قانون اساسی فوق الذکر به ملاحظه می رسد ممنوعیت ازدواج منسوبین عسکری و دیلمات ها با اتباع خارجی است . در این خصوص ماده ی ۱۳۴ آن چنین مشعر بود : « صاحب منصبان قوای مسلح ، پولیس و مامورین وزارت امور خارجه باید خود و همسران شان از والدین افغان متولد باشند . »

اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان (۱۳۵۹ خورشیدی):

این اصول اساسی که در دوران زمامداری ببرک کارمل در یک مقدمه ، ده فصل و مادهٔ از سوی شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان نافذ گردید ، در واقعیت مبین ایدیالوژی حاکم دوران جنگ سرد و در مطابقت به پیروی از سیاست خارجی بلوک وارسا و بخصوص اتحاد شوروی وقت بود ؛ چون حزب دموکراتیک خلق افغانستان که دولت را رهبری می کرد پیرو آن ایدیالوژی شناخته می شد ،که مصداق روشن این مدعا فقرهٔ دوم مادهٔ چارم آن اصول اساسی است ؛که چنین مشعر بود :« حزب دموکراتیک خلق افغانستان به اساس اراده خلق افغانستان اصول انقلاب ملی و دموکراتیک را در سیاست داخلی و خارجی خویش ملاک عمل قرار داده ، تعمیل تدریجی اهداف و و وظایف انقلاب ثور را تعیین نموده مبارزه تمام خلق افغانستان را در ایجاد جامعه نوین ، عادلانه و فارغ از استثمار فرد از فرد رهبری می گند .»
در مواد دهم و یازدهم ان اصول اساسی ؛ اصول سیاست خارجی بطور ذیل مشخص شده بود : « سیاست خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان بر تحکیم صلح عام وتام ، انکشاف همکاری های وسیع بین المللی و جفظ منافع دولتی کشور استقرار است .
اساس فعالیت سیاست خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان را اصول همزیستی مسالمت امیز و سیاست عدم انسلاک مثبت و فعال تشکیل می دهد . »

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

مادۀ یازدهم اصل انترناسوسیالیزم را که در راس ان اتحاد شوروی قرار داشت به عنوان اصول سیاست خارجی چنین مشخص نموده بود : « جمهوری دموکراتیک افغانستان دوستی و همکاری همه جانبه عنعنوی خود را با اتحادشوروی و همکاری و مناسبات دوستی را با سایر ممالک اتحاد سوسیالیستی انترناسیولیستی توسعه و استحکام می بخشد . »
در آن اصول اساسی در ماده ای ۱۲ آن در خصوص روابط با سایر کشور های جهان و ازجمله ممالک اسلامی و همسایهچنین می خوانیم :«جمهوری دموکراتیک افغانستان بحیث یک کشور صلح جو برای حفظ و تحکیم مناسبات دوستانه با سایر ممالک، به خصوص با ممالک همسایه و تمام ملل و دول مسلمان بر اساس احترام متقابله به استقلال ملی و حاگمیت ملی ، تمامیت ارضی و عدم مداخله در اموراخلی یکدیگرمجدانه سعی نموده وجهت توحید مساعی مسلمانان و سایر خلق ها در تلاش عمومی برای صلح ، آزادی ، تر قی و همکاری بین ایشان مساعدت می کند . ».
هم چنان در آن اصول اساسی با آن که مسأله دیورند با پاکستان به صراحت بیان نه شده ؛ اما تلویحا به مسله در ماده ی ۱۳ خود چنین پرداخته :« جمهوری دموکراتیک افغانستان برای حل عادلانه و صلح آمیز تمام مسایل حل نشده بین کشور های منطقه و همسایه صرف مساعی میکند. » .
در ادامه آن قانون اساسی به تایید سیاست بلاک سوسیالیستی (حتی) تقریبا با عین ادبیات سیاست اتحاد شوروی را در مناسبات بین المللی در مواد ۱۴ و ۱۵ خویش به متون ذیل انعکاس داده بود :
ماده ۱۴ :«جمهوری دموکراتیک افغانستان از مبارزه ملل و خلق های جهان برای صلح ، آزادی ملی و اجتماعی ، دموکراسی ، ترقی و بر ضد استعمار ، استعمار نو و امپریالیسم ، بر ضد صهیونیزم ،رسیزم ، فاشیزم ، تبعیض نژادی و اپارتاید پشتیبانی می گند. »
ماده ۱۵ : « جمهوری دموکراتیک افغانستان به خاطر دفاع از صلح جهانی ، در جهت خلع سلاح عمومی و قطع مسابقات تسلیحاتی ، جلوگیری از توسعه اسلحه زروی ، از بین بردن پایگاه های نظامی متجاوز در قلمرو بیگانگان ، انکشاف و تعمیق پروسه تخفیف تشنجات بین المللی و استقرار نظم عادلانه اقتصادیبین المللی مساعی بعمل می آورد.
در جمهوری دموکراتیک افغانستان تبلیغ جنگ ممنوع است. ».
هم چنان آن اصول اساسی موقف جمهوری دموکراتیک افغانستان را در قبال ملل متحد و اصول حقوق بین المللی در ماده۱۶ خویش چنین تصریح نموده بود : «جمهوری دموکراتیک افغانستان منشور سازمان ملل متحد و اصول قبول شده عمومی حقوقی بین المللی را احترام و رعایت کرده از فعالیت های سازمان ملل متحد مبنی بر تحکیم صلح و انکشاف همکاری های بین المللی پشتیبانی میکند. »
در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان دفاع از حقوق افغان ها در خارج از کشور و عدم سپردن اتباع اش به کشور خارجی در فقره اخیر ماده ی۲۷ آن چنین مسجل گردیده بود : «اتباع افغانستان در خارج از حمایت و پشتیبانی جمهوری دموکراتیک افغانستان برخوردارند هیچ یک از اتباع جمهوری دموکراتیک افغانستان به دولت خارجی سپرده نمی شود. »
به اساس آن اصول اساسی شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان به مثابه عالی ترین ارگان دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان بود که در جمله سایر صلاحیت های که در ماده ی۳۷ آن مسجل شده بو د در خصوص صلاحیت مرتبط به مفاهیم سیاست خارجی به فقرات ذیل بر می خوریم : « ۶- تصویب مشی اساسی سیاست داخلی و خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان و تصویب پروگرام فعالیت های حکومت.
۹ -اعلان حرب در صورتی که جمهوری دموکراتیک افغانستان مورد تجاوز قرار گیرد واعلان متارکه.
۱۰ -تصویب و الغای قراردادهای بین المللی جمهوری دموکراتیک افغانستان مطابق احکام قانون .».
در راس شورای انقلابی هیأتریسه قرار داشت که در زمره صلاحیت آن یکی هم تعین نمایندگان سیاسی به خارج از کشور بود ؛ دراین باره فقره ۹ ماده ی ۴۳ اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان چنین مشعر بود :«منظوری تعیین ، تبدیل و عزل نمایندگان سیاسی و دایمی جمهوری دموکراتیک افغانستان در دول خارجه و در سازمان های بین المللی. اجازه افتتاح نمایندگی های سیاسی دول متحابه در کشو. »
به ادامه صلاحیت های هیت ریسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان در فقره ۱۱ ماده ی فوق الذکر می خوانیم : «حل مسایل مربوط به تابعیت و اعطای حق پناهندگی برای خارجیان مطابق قانون. »
هم چنان در زمره صلاحیت های رئیس شورای انقلابی که در راس دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان قرار داشت در فقره ۳ ماده ۴۵ آن اصول اساسی چنین می خوانیم :« قبول اعتماد نامه های سران نمایندگی های دول خارجی. »
مطابق آن اصول اساسی شورای وزیران (حکومت) که در رأس آن صدراعظمقرار داشت دارای صلاحیت های اجرایی در خصوص سیاست خارجی نیز بود .چنان که در این مورد در فقرات ذیل ماده ۴۷ آن چنین می خوانیم :
«۱- تعمیل سیاست داخلی و خارجی.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

۹ -رهبری روابط خارجی جمهوریدموکراتیک افغانستان به شمول انجام مذاکرات و عقد قرار داد های بین المللی در حدود صلاحیت. »

قانون اساسی جمهوری افغانستان (۱۳۶۶ خورشیدی):

بعد از آن که دکتور نجیب الله سیاست مشی مصالحه ملی را اعلان داشت، در زمره سایر اقدامات یکی هم انفاذ قانون اساسی در سال ۱۳۶۶ خورشیدی بود که دارای یک مقدمه ، ۱۳ فصل و ۱۴۹ ماده بود.
در نخست در قسمتی از مقدمه آن قانون اساسی در ارتباط به سیاست خارجی چنین می خوانیم :« ما نمایندگان مردم افغانستان در لویه جرگه با درک تحولات تاریخی که در میهن ما و در جهان معاصر رونما گردیده و با پیروی از اساسات دین مبین اسلام ، حفظ و غنای موثریت نهضت مشروطیت کشور، احترام به منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر ، این قانون اساسی را به مثابه مهمترین وثیقه ملی به تاریخ ۹/۹ /۱۳۶۶ در سیزده فصل و(۱۴۹) ماده تصویب نمودیم.»
در مادۀ ۳ آن قانون اساسی بر بی طرفی وغیر منسلک بودن افغانستان چنین تأکید به عمل آمده بود :« جمهوری افغانستان کشور غیر منسلک بوده در پیمان های نظامی شامل نمی شود و تاسیس پایگاه های نظامی خارجی را در قلمرو خود اجازه نمی دهد .»
مطابق آن قانون اساسی تنظیم تجارت داخلی و خارجی را دولت به عهده داشت ؛ چنان که در این خصوص مادۀ ۲۶ آن چنین مشعر بود :« در جمهوری افغانستان تجارت داخلی و خارجی با رعایت منافع مردم توسط دولت تنظیم می شود.»
به استناد مادۀ ۲۶ آن قانون اساسی اتباع خارجی در افغانستان حق ملکیت غیر منقول را نداشتند ، در این باره ماده ی ۲۸ آن چنین صراحت داشت : «در جمهوری افغانستان اشخاص خارجی حق ملکیت عقاری را ندارند فروش عقار به نمایندگی های سیاسی و دول خارجی بر اساس رویه بالمثل و به موسسات بین المللی که جمهوری افغانستان عضو آن باشد بعد از موافقه حکومت مجاز می باشد .»
به استناد مادۀ ۳۵ آن قانون اساسی سپردن اتباع افغانستان به کشور خارجی قدغن بود ، این ماده چنین تصریح می کرد : «هیچ یک از اتباع جمهوری افغانستان به دولت خارجی تسلیم داده نمی شود .». هم چنان در این قانون اساسی دولت مکلف شده بود که از اتباع و منافع آن ها حمایت کند ، ماده ۳۶ اش چنین حکم می نمود : «اتباع جمهوری افغانستان در خارج از کشور تحت حمایت دولت قرار دارند . دولت از حقوق و منافع قانونی آن ها دفاع کرده ، رابطه افغان های مقیم خارج را با کشور تحکیم می بخشدو به منظور بازگشت آن ها مساعدت می کند . ». هکذا در مادۀ ۳۷ آن قانون اساسی برای حفظ حقوق و ادای تکالیف خارجی ها مقیم کشور چنین تصریح داشت : «جمهوری افغانستان حقوق وازادی های اتباع خارجی واشخاص بدون تابعیت مقیم افغانستان را طبق قانون تضمین می کند. آنها مکلف اند قانون اساسی و قوانین جمهوری افغانستان را رعایت کنند. »
فقره ۳ مادۀ ۶۷ آن قانون اساسی صلاحیت موافقت به اعلان جنگ و متارکه را منوط به تصمیم لویه جرگه محول نموده بود.
ماده ی ۷۵ آن قانون اساسی ضمن فقرات متعدد صلاحیت های رئیس جمهور را مشخص نموده و از جمله در مورد مناسبات بین المللی موارد ذیل به ملاحظه می رسد:
۹ -تعیین روسأی نمایندگی های دیپلوماتیک جمهوری افغانستان در دول خارجی و سازمان های بین المللی.
۱۰ -قبول اعتماد نامه های روسای نمایندگی های دیپلوماتیک خارجی در افغانستان.
۱۲ - اعلان جنگ و متارکه به موافقه لویه جرگه.
۱۴ - اعطای تابعیت و پناهندگی مطابق قانون.
شورای ملی افغانستان که به اساس آن قانون متشکل ولسی جرگه و سنا بود ، به استناد فقرات ۳ و ۱۱ مادۀ ۸۱ ان قانون در خصوص مناسبات بین المللی دارای صلاحیت های ذیل بود:
۳ -تصویب و فسخ معاهدات بین المللی.
۱۱ - تایید بر قراری روابط با دول خارجی و سازمان های بین المللی.
به استناد مادۀ۱۰۱ آن قانون اساسی موظف صدراعظم که در رأس شورای وزیران (حکومت) قرار می گرفت خط مشی سیاست داخلی و خارجی اش را به منظور تایید به ولسی جرگه ارایه می نمود . در این مورد مادۀ متذکره طور ذیل مشعر بود :« صدراعظم مؤظف در اولین اجلاس دوره تقنینیه خط مشی سیاست داخلی و خارجی وترکیب حکومت را جهت اخذ رأی اعتماد به ولسی جرگه ارایه و معرفی می کند.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

صدراعظم بعد از اخذ رأی اعتماد و منظوری رئیس جمهور خط مشی سیاست داخلی و خارجی و اعضای حکومت را به سنا ارایه و معرفی می کند. »
نا گفته نماند که شورای وزیران به اساس فقره ۱ ماده ی ۱۰۳ موظف به طرح و تطبیق خط مشی سیاست داخلی و خارجی بود. هم چنان حکومت مناسبات خارجی را مطابق قانون رهبری مینمود ، در این باره فقره ۴ مادۀ فوق الذکر چنین مشعر بود :«۴- رهبری عمومی مناسبات خارجی، بر قراری روابط دیپلماتیکوعقد موافقتنامه ها با دول خارجی و موسسات بین المللی مطابق به احکام قانون.»
فصل دهم قانون اساسی سال ۱۳۶۶ خورشیدی نصوصی را در باره ی شورای قانون اساسی داشت . ماده ی ۱۲۲ آن در مورد منظور شورای قانون اساسی چنین مشعر بود : « شورای قانون اساسی جمهوری افغانستان به منظور مراقبت از مطابقت قوانین ، سایر اسناد تقنینی و معاهدات بین المللی با قانون اساسی ایجاد می گردد.». هم چنین به استناد فقره ۱ ماده ۱۲۳ قانون اساسی متذکره شورای مزبور صلاحیت بررسی مطابقت قوانین ، فرامین تقنینی و معاهدات بین المللی با قانون اساسی را داشت. »
فصل دوازدهم آن قانون اساسی که حاوی ماده بود به سیاست خارجی متعلق بود . در نخستدر ماده ی ۱۳۲ آن قانون اصول سیاست خارجی چنین تصریح گردیده بود :« سیاست خارجی جمهوری افغانستان بر مبنای تامین منافع ملی ، تحکیم استقلال و حاکمیت ملی ، تمامیت ارضی کشور ، حفظ صلح و امنیت جهانی ،همزیستی مسالمت آمیز ، تساوی حقوق و انکشاف همه جانبه همکاری بین المللی استوار است. ».
به تعقیب آن در ضمن ماده ی ۱۳۳ قانون اساسی متذکره از رعایت موازین بین المللی چنین تصریحاتی به ملاحظه می رسد :« جمهوری افغانستانمنشور سازمان ملل متحد ، اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اصول و موازین قبول شدۀ بین المللی را احترامو رعایت می کند . »
قانون اساسی سال ۱۳۶۶ خورشیدی در ماده ی ۱۳۴ خود بر تعقیب سیاست عدم انسلاک چنین تأکید می ورزد: «جمهوری افغانستان سیاست عدم انسلاک را به حیث اصل مهم سیاست خارجی دولت تعقیب کرده و به مثابۀ یکی از بنیان گذاران جنبش عدم انسلاک در جهت نیل به اهداف آن تلاش می کند. »
در آن قانون اساسی راجع به روابط باکشور های همسایه و اسلامی نیز تصریحاتی وجود داشت ، چنان که ماده ی ۱۳۵ آن چنین مشعر بود : « جمهوری افغانستان خواهان بر قراری و تحکیم مناسبات دوستانه با همه کشور ها بخصوص کشور های همجوار و اسلامی بدون نظر داشت نظام سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی آن ها ، مبنی بر اصول تساوی حقوق ، احترام متقابل به استقلال ، حاکمیت ملی ، تمامیت ارضی ،عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر ، عدم توسل به زور،تهدید و یا قوه ،تقبیح همه اشکال مداخله و تجاوز ، اجرای صادقانه تعهدات بین المللیمطابق به اصول و موازینقبول شده حقوق بین المللی می باشد.»
در مادۀ ۱۳۶ آنقانون اساسی بر مبارزه با پدیده رایج در آن دوران به طور ذیل حکمی موجود بود : «جمهوری افغانستان از مبارزه مردمان و ملل بخاطر صلح ، استقلال ملی ، دموکراسی ترقی اجتماعی و حق ملل در تعیین سرنوشت پشتیبانی نموده بر ضد استعمار ، استعمار نو ، امپریالیسم ، صهیونیزم ،راسیزم ، اپارتاید وفاشیزم مبارزه می کند.». هم چنان در ماده ی ۱۳۷ آن قانون بر مبارزه بر خلع سلاح و ختم مسابقات تسلیحاتی حکمی به متن ذیل موجود بود : «جمهوری افغانستان از مبارزه به خاطر خلع سلاح عام وتام ، قطع مسابقات تسلیحاتی در زمین و فضا، عدم گسترش و امحای سلاح هسته یی و کیمیاوی و سایر انواع سلاح کشتار جمعی ،از بین بردن پایگاه های نظامی خارجی ، رفع تشنجات بین المللی و استقرار نظم نوین و عادلانه اقتصادی و اطلاعاتی بین المللی پشتیبانی می کند. »
و ، در اخیر این فصل در مادۀ ۱۳۸ در خصوص تبلیغ جنگ چنین نصی را مطالعه می نمایم : «در جمهوری افغانستان تبلیغ جنگ ممنوع است. »
در آن قانون اساسی در صورتی که قوانین داخلی با معاهدات بین المللی در تناقض می آمد ، به معاهدات بین المللی رجحان داده شده بود . چنانی که در ماده ی ۱۴۵ آن چنین می خوانیم : « در صورتی که معاهدات یا میثاق های بین المللی که جمهوری افغانستان آن را عقد یابه آن الحاق نموده مغایر احکام قوانین جمهوری افغانستان باشد به معاهده بین‌المللیو میثاق رجحان داده می شود. ».

قانون اساسی سال ۱۳۶۹ خورشیدی:

در دوران حاکمیت دکتور نجیب الله قانون اساسی با اندک تعدیلات درسال ۱۳۶۹ در ماده به تصویب لویه جرگه رسید و نافذ شد.
در زمره تعدیلات آن در عرصه سیاست خارجی به موارد ذیل بر می خوریم:

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

ماده ۲۶ قانون اساسی ما قبل که تنظیم تجارت داخلی و خارجی را به عهده دولت گذاشته بود ، در این قانون ملغی شناخته شده بود.
در فقره ۳ ماده ۸۱ آن قانون اساسی در زمره صلاحیت های شورای ملی به عوض کلمه الغای معاهدات بین المللی چنین آمده است : « ... و انفصال از آن ها .»

قانون اساسی افغانستان سال ۱۳۸۲ خورشیدی:

این قانون اساسی در سال ۱۳۸۲ خورشیدی در یک مقدمه ، دوازده فصل و ۱۶۲ ماده پس از تصویب لویه جرگه نافذ گردید.
در این قانون اساسی نیز اصول و قواعد مربوط به سیاست خارجی افغانستان به گونه ذیل تسجیل یافته است:
در مقدمه این قانون اساسی در کنار سایر اهدافی که این قانون اساسی بر مبنای آن نافذ گردیده، در خصوص سیاست خارجی می خوانیم:
- با رعایت منشور ملل متحد و با احترام به اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر ؛و سر انجام به منظور تثبیت جایگاه شایستهٔ افغانستان در خانوادهٔ بین المللی ؛ سپس به استناد مادهای هفتم این قانون اساسی دولت متعهد به رعایت تعهدات بین المللی اش به متن ذیل می پردازد : « دولت منشور ملل متحد ، معاهدات بین الدول ، میثاق های بین المللی که افغانستان به آن ملحق شده است واعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می کند.
دولت از هر نوع اعمال تروریستی ، زرع و قاچاق مواد مخدر و تولید و استعمال مسکرات جلوگیری می کند. »
در ماده ی هشتم این قانون اساسی اصول سیاست خارجی افغانستان به طور ذیل مسجل گردیده است :« دولت سیاست خارجی کشور را بر مبنای حفظ استقلال ، منافع ملی و تمامیت ارضی و عدم مداخله ، حسن همجواری ، احترام متقابل و تساوی حقوق تنظیم می نماید. »
در این قانون اساسی نیز عدم استراد اتباع افغانستان جهت محاکمه به دول خارجی اصولا سپرده نه می شود اما این قانون دو مورد استثنا را پذیرفته که عبارت از رویه بالمثل و قواعد بین المللی مبربوط به استرداد مجرمین ، در مادهٔ ۲۸ آن می خوانیم:«هیچ یک از اتباع افغانستان به علت اتهام به جرم، به دولت خارجی سپرده نمی شود مگر بر اساس معامله بالمثل و پیمان های بین الدول که افغانستان به آن پیوسته باشد.
هیچ افغان به سلب تابعیت ویا تبعید در داخل یا خارج افغانستان محکوم نمی شود. »
در ماده ی ۶۴ این قانون اساسی در زمره ۲۱ مورد صلاحیت های رئیس جمهور ، فقرات ذیل آن به سیاست خارجی مرتبط است : «۲ - تعیین خطوط اساسی سیاست کشور به تصویب شورای ملی.
۴ - اعلان حرب و متارکه به تایید شورای ملی.
۵ -اتخاذ تصمیم لازم در حالت دفاع از تمامیت ارضیوحفظ استقلال.
۶ -فرستادن قطعات قوای مسلح به خارج افغانستان به تایید شورای ملی.
۱۴ - تعیین سران نمایندگی های سیاسی افغانستان نزد دول خارجی و موسسات بین المللی.
۱۵ - قبول اعتماد نامه های نمایندگان سیاسی خارجی در افغانستان.
۱۷ - اعطای اعتبار نامه به غرض عقد معاهدات بین الدول مطابق احکام قانون .»
در فقره۲ ماده ی ۷۵ این قانون اساسی در زمره وظایف حکومت چنین آمده است : «حفظ استقلال ،دفاع از تمامیت ارضی و صیانت منافع و حیثیت افغانستان در جامعه بین المللی ؛ ».
در فقره ۵ ماده نودم قانون اساسی افغانستان در زمرهٔ سایر صلاحیت های شورای ملی می خوانیم : تصدیق معاهدات و میثاقهای بین المللی یا فسخ الحاق افغانستان.
مطابق ماده ی ۱۲۱ قانون اساسی بررسی مطابقتو تفسیر معاهدات بین المللی و میثاق های بین المللی از صلاحیت های ستره محکمه شناخته شده ، چنان چه این ماده مشعر است : «بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی ، معاهدات بین الدول و میثاق های بین المللی با قانون اساسی و تفسیر ان ها بر اساس تقاضای حکومت و محاکم ، مطابق به احکام قانون ازصلاحیت ستره محکمه می باشد. »

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ